

## نقش روش تلقین در نهادینه‌سازی آموزه مهدویت برای کودکان

ابراهیم عبداللہی<sup>۱</sup>

سید محمد رضا موسوی نسب<sup>۲</sup>

### چکیده

از منظری ویژه، آموزه مهدویت، عصاره ناب تمام معارف اسلامی است که در آن، ظرفیت‌های فراوان الگوگیری برای تربیت افراد برای زمینه‌سازی ظهور در جهت تحقق جامعه تراز اسلامی دارد. در این مسیر مناسب‌ترین زمان برای انتقال و نهادینه‌سازی آموزه‌های دینی، به‌ویژه مهدویت، دوره کودکی است که ماندگاری آموزه‌ها در این دوره به مثابه ایجاد نقش‌واره بر سنگ می‌باشد. یکی از روش‌های تربیتی متناسب با این دوره که می‌تواند ما را در نهادینه‌سازی آموزه‌های مهدوی یاری کند، «تلقین» است که عنصر محوری آن، ایجاد باور به حقانیت آموزه‌های مهدوی از طریق «تکرار» می‌باشد. نوشتار پیش‌رو، عهده‌دار پاسخ به چگونگی نهادینه‌سازی معارف مهدوی در کودکان از طریق تلقین و شبهات مربوط به آن می‌باشد. به همین منظور، با پژوهشی کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی، پس از بازشناسی معنایی و جایگاه‌شناسی تلقین، به تبیین مراحل تهیه محتوای تلقینی پرداخته شده و در نهایت، بهره‌گیری از آن، به شرط رعایت چهارچوب اجرایی و با در نظر گرفتن ویژگی‌های دوران کودکی، مطلوب ارزیابی شده است. همچنین، قالب‌هایی نظیر شعر، قصه، نقاشی، نمایش و پرسش و پاسخ، با نمونه کاربردی برای دست‌یابی به مقصود، معرفی و پیشنهاد گردیده است.

واژگان کلیدی: امام مهدی علیه السلام، مهدویت، کودک، تربیت، روش تربیتی، تلقین، زمینه‌سازی ظهور.

«مهدویت»، اندیشه انتظار موعودی الهی است که افزون بر شمولیت نسبت به تمام اعتقادات و باورهای اسلامی، نویدبخش آموزه‌هایی است که عامل حرکت، امید، تعالی و پیشرفت در جوامع بشری، به‌ویژه جامعه بزرگ اسلامی می‌گردد. یکی از مهم‌ترین وظایف شیعیان در عصر غیبت، گسترش فرهنگ مهدویت و زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام است (بالادستیان و همکاران، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۲). زمینه‌سازی، به‌معنای آمادگی معرفتی، اخلاقی و رفتاری برای ظهور و پذیرش امر معصوم است؛ به‌گونه‌ای که زمینه و مقدمات ظهور فراهم گردد (آیتی، ۱۳۹۰، ش ۱۹: ۱۹-۵۹). این آرمان ارزشمند با پرورش نسلی مهدوی تحقق می‌یابد. از این‌رو، باید بهترین سن تأثیرپذیری و تربیت‌پذیری، یعنی دوران کودکی را انتخاب کرد؛ زیرا شاکله فکری، اعتقادی و اخلاقی انسان در آن دوران پایه‌ریزی می‌شود. سیره تربیتی معصومان علیهم السلام در مواجهه با کودکان (ر.ک: داوودی و حسینی‌زاده، ۱۳۹۱: ۶۵-۹۷) و همچنین روایاتی که درباره دوره کودکی بیان شده (ر.ک. محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۱)، گویای اهمیت این مقطع سرنوشت‌ساز در تربیت اسلامی است. امام علی علیه السلام در ضمن روایتی، هفت-سال اول زندگی را سنین تربیت و پرورش نامیده‌اند (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۹۳، ح ۴۷۴۶). دوره کودکی، تشکیل‌دهنده پایه و اساس شخصیت انسان است؛ به‌گونه‌ای که ارکان اصلی زندگی انسان بالغ و رشید، به کیفیت آن گره خورده است (باهر، ۱۳۸۷: ۲۰).

متأسفانه در زمانه ما، جریان‌های ضد دیانت و مهدویت، قصد دارند از طریق تلقین آموزه‌های انحرافی یا به‌ظاهر دینی به کودکان، اندیشه و گرایش آنان را از معارف ناب اسلامی و مهدوی تغییر داده، به سوی اهداف باطل سوق دهند. افزون بر آن، شاهد کم‌توجهی اشخاص و نهادهای تأثیرگذار فرهنگی و تربیتی جامعه، به ایجاد و تقویت روحیه «مهدوی‌باوری» و «مهدوی‌باوری» میان افراد جامعه، به‌ویژه کودکان هستیم. همچنین در زمینه آغاز پرورش چنین روحیه رشد‌دهنده‌ای از سنین کودکی و تأثیرات تربیتی آن، اقدامات سازنده و تحقیقات علمی صورت نگرفته است. این کاستی، به دلیل فقدان معرفتی به جایگاه آموزه مهدوی در تربیت و نقش روش تربیتی در نهادینه‌سازی معارف مهدویت است. برای

رفع این نقصان، نخست باید آموزه‌های مهدوی متناسب با دوره کودکی گزینش و سپس شیوه‌هایی تأثیرگذار و کارآمد برای آموزش، انتقال همگام با رشد و تحول شخصیت کودکان اتخاذ شود. افزون بر آن، باید برای نهادینه‌شدن معارف مهدوی روش‌هایی اتخاذ گردد تا آن معارف درونی شده و به باور و ایمانی محکم تبدیل گردد. این نهادینه‌سازی، افزون بر خودمراقبتی حاصل از درک حضور حضرت مهدی علیه السلام؛ باعث استحکام اعتقادات، انجام رفتارهای پسندیده با میل و رغبت درونی و همچنین موجب آمادگی برای عصر ظهور می‌گردد.

در پژوهش پیش‌رو، روش تربیتی «تلقین»، انتخاب و با تکیه بر مبانی و اصول تربیت اسلامی، به بررسی نهادینه‌سازی آموزه‌های مهدوی در کودکان ۴ تا ۷ سال از این طریق می‌پردازد.

### جایگاه‌شناسی تلقین

«تلقین» یکی از روش‌های تأثیرگذار بر نفس و روح آدمی است. برخی پژوهشگران تربیت اسلامی، بر این باورند که با تکیه بر مبنای «تأثیر ظاهر بر باطن»، روش‌هایی در نظام تربیتی اسلام توصیه شده، مانند «تحلم» که ماهیتاً مشمول عنوان «تلقین» است (باقری، ۱۳۶۷: ۷۶). در علم اخلاق نیز «تلقین به نفس» به‌عنوان راه‌کاری جهت درونی‌شدن صفات حسنه مطرح شده است. در روان‌شناسی، تلقین به‌عنوان شیوه‌ای درمانی برای بیماری‌هایی مانند کم‌رویی به‌کار می‌رود (کاوایی، ۱۳۸۷: ۱۰۱). امروزه تلقین درمانی، در بیش‌تر کلینیک‌های روان‌درمانی جهان رواج دارد و بسیار اثرگذار است. در بحث ظرفیت‌های روان‌شناختی، تلقین به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ادراک شمرده شده و نیز تلقین به مخاطب در زمان وارد شدن هیجانات شدید و تلقین به نفس در حالت هشیاری، از جمله راه‌های ورود و تأثیرگذاری بر سطح ناهشیار انسان محسوب می‌شود (همان: ۲۲۸-۲۳۲). اساس کار هیپنوتیزم نیز تلقین است؛ ولی به دلیل این‌که راهی مصنوعی می‌باشد (همان، ۲۳۲) و در آن از شیوه‌ها و ابزارهای غیرمتعارف استفاده می‌شود، از بحث ما خارج است.

## معناشناسی تلقین

برای «تلقین»، معانی لغوی متعددی ذکر شده است؛ مانند فهماندن (دهخدا، ۱۳۷۷)؛ یاددادن کلامی و وادار کردن به گفتن و فهماندن زبانی (معین، ۱۳۷۱)؛ باوراندن اندیشه و طرز فکری خاص (عمید، ۱۳۸۶). می‌توان تعاریف اصطلاحی نیز برای تلقین یافت که برخی به «خودتلقینی» و بعضی دیگر اشاره به «دگرتلقینی» ناظراند. در این‌جا چند نمونه که بیش‌تر با معنای مورد نظر مرتبط است، ذکر می‌گردد:

در روان‌شناسی، تلقین یعنی «قبولاندن یا باوراندن عقیده، باور، تلقی یا احساسی به کسی معمولاً با تکرار و بدون درک و اقتناع» (انوری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۵۵). در تصوّف نیز به معنای «گفتن و یاد دادن ذکر خاصی به مرید و واداشتن او به تکرار آن» آمده است (همان). در مباحث معرفه‌النفس، «تلقین به نفس»، یعنی «به کمک اراده، بر ضعفی روانی یا تردیدی باطنی غلبه کنند و آن ضعف یا تردید را بر اثر تعلیم و پند دادن به خود و تکرار در آن زایل سازند و بالعکس» (دهخدا، ۱۳۷۷). بنابر نظر برخی اندیشمندان تربیت اسلامی، «تلقین به نفس»، یعنی «از طریق به زبان آوردن قولی معین یا آشکار ساختن عملی در اعضا و جوارح، تغییری به مقتضای آن در ضمیر پدید آید» (باقری، ۱۳۷۶: ۶۸). برخی پژوهشگران فلسفه تحلیلی تعلیم و تربیت، تلقین را چنین تعریف کرده‌اند:

فروشنانند هر نوع آموزه<sup>۱</sup> یا باور<sup>۲</sup> در ذهن فرد که به ایجاد تعهدی تزلزل‌ناپذیر نسبت به حقانیت آن منجر شود؛ به‌طوری که درهای ذهن خود را بر هر احتمالی دایر بر خطا بودن آن آموزه یا باور ببندد (بارو و وودز، ۱۳۷۶: ۹۴).

با بهره‌گیری از معانی لغوی و اصطلاحی یادشده، تعریف و نکاتی برای تلقین ارائه می‌گردد که گویای معنای مورد نظر در این نوشتار است:

تلقین، یعنی ایجاد و تقویت باور در خود یا دیگری از طریق تکرار نظام‌مند محتوای تلقینی، در قالب‌های متنوع، متناسب با حیطه شناختی و عاطفی و

1. Doctrine.
2. Belief.

رفتاری تلقین‌شونده (کودک) در یک فرآیند تربیتی، بعد از مرحله آموزش همراه با حفظ قدرت اراده، انتخاب‌گری و پرورش اندیشه به‌منظور تثبیت و افزایش اعتماد وی به حقانیت آموزه‌های آن محتوا، جلوگیری از غفلت و فراموشی و همچنین به قصد ایجاد مصونیت در برابر اندیشه‌ها و رفتارهای تردیدزا و تزلزل‌آفرین.

بنابراین تعریف، عنصر اصلی تأثیرگذار تلقین، «تکرار» است؛ اعم از تکرار قولی و فعلی و محیطی و همچنین خودتلقینی و دگرتلقینی که توضیح آن خواهد آمد. البته لازمه تکرار در این زمینه آن است که هدف‌مند و نظام‌مند باشد؛ یعنی با رعایت اصول تلقین، مانند وجود بایسته‌های اخلاقی تلقین‌کننده، استمرار، ثبات و پرهیز از دو دلی، تمرکز بر پیام معین، تنظیم تعداد تکرار، انتخاب موقعیت مناسب و رعایت اعتدال و تنوع و تناسب همراه باشد.

افزون بر این‌که تلقین بر ذهن و جنبه شناختی تأثیر مستقیم دارد؛ بخش قابل توجهی از میزان پذیرش باور و تقویت آن، به کیفیت میل و گرایش تلقین‌شونده نسبت به تلقین‌کننده و محتوای تلقینی وابسته است.

جایگاه تلقین بعد از اخبار، آموزش و تذکر است؛ یعنی به‌لحاظ رتبه و گاهی از نظر زمانی در مرحله بعد از اطلاع، توجیه شناختی و بازپیداآوری ذهنی قرار دارد. بر این اساس، پس از انتقال و تعلیم آموزه به مخاطب همراه با شواهد و دلایل، به‌جهت جلوگیری از غفلت و فراموشی یادآوری می‌شود. سپس نوبت به تکرار جهت تلقین می‌رسد تا در مکان و زمان‌های دور از آموزش، آموزه مورد تردید و تزلزل واقع نشود. گاهی هم‌زمان با آموزش و تذکر، تلقین نیز رخ می‌دهد؛ ولی به‌لحاظ عقلی و شواهد تجربی، مؤخر از آن‌ها تحقق می‌یابد و می‌توان برای آن، جداگانه برنامه‌ریزی کرد. البته با هر بار تکرار، تذکر نیز رخ می‌دهد؛ ولی هر تذکری تلقین‌آمیز نیست؛ بلکه تلقین، نوعی تذکر سازمان‌یافته و مستمر محسوب می‌شود.

واژه تلقین، در بین مردم ملالت‌آور و بارعاطفی منفی دارد. شاید به‌این‌دلیل که برخی شرکت‌های تبلیغاتی برای ترغیب مردم به خرید محصولات تجاری، از تلقین استفاده فراوان می‌کنند؛ به طوری که گاهی اوقات از تأثیر تلقین سوء استفاده صورت می‌گیرد؛ زیرا تلقین، ابزار مشترکی برای دستیابی به اهداف صحیح و باطل است. بنابراین، با هدف صحیحی

همچون نهادینه‌سازی عشق به حضرت مهدی علیه السلام در کودکان می‌توان از روش تلقین استفاده کرد و این استفاده بسیار به‌جا و عقلی است.

### تلقین، تهدید یا فرصت برای ایجاد باورهای مهدوی در کودکان

در خصوص استفاده از تلقین برای ایجاد باورهای دینی، به‌ویژه مهدوی، سوالی مطرح است که تبیین آن به‌همراه پاسخ، از نظر می‌گذرد.

#### سوال

آیا باوراندن و تلقین عقاید مهدوی کاری تحمیلی محسوب نمی‌گردد و با اصل تحقیقی بودن عقاید و تربیت عقلانی کودکان منافات ندارد؟ توضیح آن‌که:

از یک‌سو، هر کس به‌قدر توانایی باید درباره عقاید اسلامی، مانند امامت و مهدویت تحقیق کند و پس از اطمینان، طبیعتاً آن را پذیرفته، به آن معتقد می‌شود. پس، در این زمینه، تقلید از دیگری کاری ناپسند است.

از سوی دیگر، ایجاد و تقویت باورهای دینی، مانند مهدویت، جزئی از فرآیند تربیت دینی است که باید با تربیت عقلانی (پرورش نیروی عقل و تفکر) متربی همراه باشد تا وی عقاید دینی را با اختیار و بدون هیچ‌گونه تحمیل و تحکمی، قبول کند.

از سوی سوم، تلقین روش تربیتی تأثیرگذار شمرده شده است؛ ولی این، به معنای فرونشاندن باور است که به تحمیل عقیده‌ای خاص و اجبار کردن فرد بر پذیرش آن منجر می‌شود. در این صورت، حق اندیشه‌ورزی، قضاوت و انتخاب در متربی سلب و طبعاً موجب تعهدی تزلزل‌ناپذیر در او، همراه با روحیه‌ای متعصبانه، نگرشی مصونیت‌آمیز به آن عقیده و بی‌اعتمادی به سخن دیگران می‌شود و البته گاهی باعث دل‌زدگی و بی‌رغبتی به گزاره‌های تلقین شده می‌گردد. بدیهی است این امور، با تربیت عقلانی منافات دارد. بنابر دیدگاه برخی پژوهشگران فلسفه تحلیلی تعلیم و تربیت، مانند فلوو و هرست، استفاده از تلقین در ارائه مباحث دینی و تربیت دینی، عملی تحقیرآمیز و زشت، روشی غیراخلاقی و غیرعقلانی است و برای هر نوع آموزشی تهدید محسوب می‌شود (حیدری و بختیاری، ۱۳۸۸، ش ۲: ۸۷-۸۸).

البته اشکال اصلی آن‌ها، به ماهیت مفهوم تربیت دینی برمی‌گردد. آنان مدعی‌اند تلقین‌آمیز است که پاسخ‌های مقتضی از جانب طرفداران تربیت دینی داده شده است (ر.ک. باقری: ۱۳۸۰).

### پاسخ

اصل تحقیقی‌بودن عقاید، لزوم توجه به تربیت عقلانی و پرهیز از تحمیل عقیده، اموری هستند پذیرفته شده و غیرقابل انکار؛ اما برای تلقین دو گونه قابل تصور است:

### الف) تلقین آسیب‌زا در فرآیند آموزش

اگر تلقین، به‌عنوان محور تربیت دینی و روشی برای آموزش معارف مهدویت استفاده شود؛ بدون بیان پشتوانه‌های فکری و استدلالی و عدم توجه شناختی نسبت به آن‌ها، آثار منفی جبران‌ناپذیر یا دیراصلاح، مانند تعصب بی‌جا را به‌دنبال دارد. مثلاً اگر در فرآیند آموزش معارف مهدوی، نگرشی مصونیت‌آمیز نسبت به آن‌ها اتخاذ شود، به‌گونه‌ای که مربی مصمم باشد درباره حقانیت آن‌ها بدون ارائه شواهد و دلایل، تعهدی تزلزل‌ناپذیر در ذهن متریبان فرونشاند؛ فعالیت وی جنبه تحمیلی به خود می‌گیرد. همچنین اگر مربی آموزه مورد نظر را به‌گونه‌ای عرضه کند که پیشاپیش برای همه پرسش‌های مخالفت‌آمیز، پاسخ‌های خاموش‌کننده و نه قانع‌کننده تدارک دیده باشد؛ یا از ارائه نظریات متفکران مختلف درباره مطلب اجتناب کرده، عمداً به القای عقیده‌ای خاص به‌منزله حقیقتی تردیدناپذیر (بدون اجازه‌دادن برای تفکر و پژوهش در خصوص آن) بسنده کند؛ آن‌گاه تعلیم، به تلقین آسیب‌زا تبدیل خواهد شد؛ زیرا حق انتخاب و قضاوت شاگردان پایمال می‌شود و آموزش، دربردارنده این پیام است که «بیندیش، همان‌گونه که ما می‌اندیشیم و جرأت سؤال و تردید نداشته باش.» نتیجه چنین تدریسی آن است که دانش‌آموزان پس از اتمام درس، آموزه‌ها و اعتقادات کسب‌شده را قابل بازنگری ندانسته و به بحث درباره ماهیت آن‌ها بی‌رغبت‌اند. هیچ استدلالی را در رد باورهای غلط خود معتبر ندانسته و هیچ دلیلی آن‌ها را مجاب نمی‌کند تا در آن‌ها تجدید نظر کنند (حیدری و بختیاری، ۱۳۸۸، ش ۲: ۹۰ و ۹۳).

### ب) تلقین باورساز پس از آموزش

همان‌طور که در معاشناسی بیان شد، می‌توان از تلقین به‌عنوان مرحله‌ای پس از آموزش در قالب تکرار نظام‌مند بهره برد. این کار به‌منظور اقتناع و افزایش اعتماد متری به صحت آموزه و تثبیت اعتقادات، جلوگیری از فراموشی پشتوانه‌های استدلالی آن و پیشگیری بروز تزلزل در فکر و دل انجام می‌گیرد و چنین تلقین تثبیت‌افزا و اعتمادسازی تحمیل محسوب نمی‌شود. البته در ضمن تکرار ممکن است استدلال‌ها یا نکات جدید بیان شوند؛ ولی غرض در این‌جا متوجه نفس تکرار باورساز است.

بنابراین، غرض از به‌کارگیری روش تلقین به منظور باورسازی مهدوی در کودکان؛ زمینه‌سازی برای تثبیت و نهادینه‌سازی آموزه‌های مهدوی در آن‌ها و شکوفایی فطرت معنویت‌جوی آنان نسبت به حقانیت، مفیدبودن و کارآمدی آن آموزه‌ها در زندگی کودکانه می‌باشد. در این‌صورت، افکار، امیال و رفتارهای کودک از درون به سمت معرفت، محبت، اطاعت و در نهایت، پذیرش ولایت حضرت مهدی علیه السلام جهت‌دهی می‌شود. این امر، مستلزم تعطیلی قوه تفکر، اختیار و قدرت انتخاب کودک و همچنین سلب اجباری آزادی در اندیشه، امیال درونی و رفتار او نمی‌باشد؛ زیرا در اجرای تلقین باید به سه شاخصه تربیتی «استقلال در انتخاب و تصمیم‌گیری»، «اندیشه‌ورزی یا تأمل عقلانی»، «استواری شخصیت یا قدرت اراده» توجه کرد. این نکات در فضای تربیتی کودک نیز مطرح است؛ لکن با قالبی متناسب با دوره کودکی در واقع، مربی مهدویت، در مرحله آموزش، استدلال‌های کودکانه و قابل فهم را برای کودکان بیان می‌کند و ضمن آن، اندیشه و عاطفه آنان را به سمت باورهای مهدوی سوق می‌دهد. سپس به تکرار آن می‌پردازد تا به ایجاد باور منجر شود؛ به‌گونه‌ای که کودک حس کند خودش آن را فهمیده، قانع شده و آزادانه انتخاب کرده است. البته موفقیت در به‌کارگیری این روش برای کودکان، در صورتی است که تهیه محتوای تلقینی و نیز شیوه‌ها و قالب‌های اجرای آن، با در نظر گرفتن نکات روان‌شناختی در خصوص تلقین‌پذیری این دوره سنی باشد که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.



## نکته مهم

امروزه کودکان در زمینه عقاید، اخلاق و سبک زندگی، در معرض تلقین باورهای مغایر با آموزه‌های وحیانی هستند. این امر توسط انیمیشن و فیلم‌های کودکانه، شرکت‌های سینمایی غرب و از طریق تبلیغ و پخش انواع کالاهای خوراکی، پوشاک و اسباب‌بازی انجام می‌شود. چه متوجه باشیم، چه نباشیم، قطار تلقین‌پذیری کودکان به سرعت در حال حرکت است. شایسته است اشخاص و نهادهای تأثیرگذار بر جامعه از این ظرفیت تلقین‌پذیری، برای ترویج آموزه‌ها و باورهای مهدوی استفاده بهینه کنند و آن را فرصتی برای آشناساختن کودکان با معارف مهدوی و زمینه‌سازی برای قبول استدلالی آن معارف در بزرگسالی تلقی کنند.

## انواع تلقین

دسته‌بندی‌های متنوعی برای تلقین بیان شده است، مانند «شنیداری، دیداری و نوشتاری»، «فکری و کلامی» (هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۱)؛ «اجازه و امر»، «مثبت و منفی»، «مستقیم و غیرمستقیم» (لوکرون، ۱۳۷۷: ۷۸) یا «خودتلقینی و دگرتلقینی» و «قولی و فعلی» (باقری، ۱۳۷۶: ۶۸) که به توضیح برخی از آن‌ها (به دلیل کارآمدی بیش‌تر در اجرای تلقین) می‌پردازیم:

### الف) خودتلقینی و دگرتلقینی

«خودتلقینی» یا «تلقین به نفس» که تلقین در این صورت، مستقیماً توسط شخص به خودش صورت می‌گیرد؛ یعنی به‌زبان آوردن قول یا فعلی معین که به مقتضای آن، تغییری در ضمیر پدید آید (همان). «دگرتلقینی»، یعنی تلقین غیرمستقیم که تلقین در این صورت، از سوی دیگری انجام می‌شود. استفاده از هر کدام از دو نوع مذکور، به عواملی مانند وسعت و ضیق بودن ضمیر تلقین شونده وابسته است. پس، هر یک در شرایط خاصی نتیجه مثبت می‌دهد (هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۳).

### ب) تلقین قولی، فعلی و محیطی

آنچه از استعمال واژه تلقین در زمینه متعلق تکرار یا جنس ماده تلقینی متبادر است؛ غالباً چیزی از سنخ لفظ در قالب گفتار یا نوشتار است. مثلاً واژه یا گزاره‌ای چندین مرتبه گفته می‌شود تا باور متناسب با آن، در جان و روح تلقین‌شونده تثبیت گردد که به آن «تلقین قولی» گفته می‌شود. در زمینه این نوع تلقین در فضای خودتلقینی، روایتی وارد شده مبنی بر سفارش به گفتن کلمه «لااله الاالله» هنگامی که اندیشه‌های کفرآمیز در دل موج می‌زند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۲۴). افزون بر تکرار واژگان، می‌توان حالت روحی - روانی یا رفتار را تلقین کرد؛ یعنی با انجام دادن مستمر و پی‌درپی نوعی عمل یا نشان دادن روحیه‌ای خاص، باور مورد نظر در معرض تلقین قرار گیرد که «تلقین فعلی» نام گرفته است. تلقین فعلی در فضای خودتلقینی، یعنی آشکار ساختن عملی به‌نحو تظاهر بر اعضا و جوارح (در حالی که آن فعل و آثار آن در درون ما ریشه ندوانده است) تا سایه و طنین آن را به درون بیفکنیم (باقری، ۱۳۷۶: ۶۸). در نظام تربیتی اسلام، شیوه‌ها و دستورات فراوانی دیده می‌شود که حاکی از تلفیق تلقین قولی و فعلی است و تأثیری مضاعف دارد؛ مانند نماز، که نمازگزار در آن، سخنان معینی را بر زبان می‌راند و حرکات معینی را انجام می‌دهد که هر یک با حالات ویژه‌ای تناسب دارد و آن را در باطن می‌انگیزد (همان: ۷۰). در قرآن کریم از تلقین قولی در قالب تکرار آموزه‌ای خاص استفاده شده که بارزترین نمونه آن، ۳۰ بار تکرار آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» در سوره «الرَّحْمَن» و ۹ مرتبه تکرار آیه «وَيَلُومُ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» در سوره «المرسلات» است. عمل مستمر و پیوسته، آثار فراوانی دارد، مانند یادگیری درست، سرعت عمل، یافتن مهارت و جلوگیری از فراموشی (شعبانی، ۱۳۷۷: ۲۳) و نیز ایجاد و تقویت رفتاری ثابت و عادت استوار در کودک و نوجوان (همتی، ۱۳۹۰: ۲۷). به‌بیان دیگر، تلقین قولی باعث تثبیت در افکار، حالات و اعمال می‌شود. حتی ایمان انسان نیز نوعی تثبیت در سایه عمل است؛ چنان‌که در حدیثی بدان اشاره شده است: «ایمان جز با عمل تثبیت نمی‌شود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۸). افزایش تکرار عمل، زمینه تثبیت آن را بیش‌تر خواهد کرد. با توجه به وسعت معنایی تلقین، می‌توان موارد مرتبط با شرایط محیطی مانند فضاسازی،

کیفیت چینش، رنگ و صدا را «تلقین محیطی» نامید. البته ابزار دیگری هم وجود دارد؛ مانند عکس، فیلم و نیز نمایش خودتلقینی الگو.

### ج) تلقین مثبت و منفی

دو معنا برای مثبت یا منفی بودن تلقین بیان شده است. برخی این دو نوع تلقین را در فضای بیان عبارات تلقینی مطرح کرده و معتقدند برای حفظ قدرت و آثار مثبت تلقین، باید از کلماتی نظیر «نه»، «نمی‌خواهم»، «نمی‌توانم» و «نخواهد شد»، خودداری شود. مثلاً به جای جمله «امروز من سردرد نخواهم داشت» که تلقینی منفی است، از عبارت «امروز من خیلی تندرست، سالم و سرحال هستم»؛ استفاده شود (لوکرون، ۱۳۷۷: ۸۱).

برخی دیگر، تلقین مثبت را تلقینی می‌دانند که به خاطر مطلوب بودن ماده تلقینی، باید به کار گرفته شود و منفی، نباید صورت پذیرد (باقری، ۱۳۷۶: ۶۸). مثلاً در تلقین فعلی مثبت، مقصود آن است که صورت یک عمل مطلوب نشأت گرفته از باوری صحیح را تظاهرگونه بر اعضا و جوارح خویش آشکار سازیم؛ در حالی که ممکن است ریشه‌های باور و عقاید مربوط به آن هنوز در درون ما تثبیت نشده باشد؛ مانند تحلم که حضرت علی علیه السلام در حدیثی فرمودند: اگر حلیم و بردبار نیستی؛ پس خود را بردبار جلوه ده؛ چه اندک پیش آید که کسی خود را به گروهی شبیه سازد و جزو آنان نشود (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: حکمت ۲۰۷).

مانند تباکی (تظاهر به گریه) از خوف خدا در قنوت نماز وتر که حتی در صورت عدم توانایی بر گریستن، مستحب شمرده شده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۵۲). در تلقین منفی فعلی نیز، مقصود آن است که صورت فعلی نامطلوب را از خود دور کنیم؛ در حالی که ممکن است آثار آن در درون ما ریشه دوانده باشد؛ مانند تبختر در راه رفتن، که باید از این حالت در حال راه رفتن بپرهیزیم.

### تلقین پذیری کودکان

کودکان، تأثیرپذیری افزون تری در مقایسه با دیگران داشته و بیش تر تحت تأثیر تلقین

قرار می‌گیرند (شعاری نژاد، ۱۳۸۵: ۴۰۸). سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به این نکته اشاره دارد:  
حکایت کسی که در کودکی می‌آموزد، همانند نقش‌کندن بر سنگ است (متقی، ۱۴۳۱، ج ۱۰: ۱۵۰).

مقطع کودکی به دلیل تلقین‌پذیری و تأثیرپذیری بالای آن، بهترین زمان برای درمان برخی بیماری‌ها است (سایت پزشکان بدون مرز [www.pezeshk.us](http://www.pezeshk.us)). برنامه‌ریزی برای درست هدایت کردن باورهای دوره کودکی از طریق تلقین، بهترین راه برای تأثیرگذاری و جهت‌دهی سطح ناهشیار انسان است (کاویانی، ۱۳۸۷: ۲۳۱-۲۴۰). برای بهره‌بری از آن و به منظور ایجاد باورهای مهدوی در کودکان، نخست باید ویژگی‌های شخصیتی کودک و سیر تحول آن‌ها از نظر معرفتی، عاطفی و رفتاری شناخته شود. در این صورت، می‌توان هماهنگ با این سیر طبیعی، در هر مرحله محتوای مهدوی متناسب با قالبی خاص تلقین کرد و همچنین از نظر فهم و پذیرش، انتظاری مناسب با همان مرحله داشت. از میان ویژگی‌های مذکور تعدادی انتخاب شده که در قالب دو گروه همسو و معارض با تلقین‌پذیری کودکان ارائه می‌گردد.

#### الف) ویژگی‌های هم‌سو با تلقین‌پذیری

مقصود، خصوصیتی است که مسیر تلقین‌پذیری کودک را از نظر جسمی، فکری یا عاطفی هموار و زمینه را جهت قبول و پذیرش پیام تلقینی فراهم می‌کند.

#### ۱. شکل‌گیری خودپنداره

دوره کودکی، آغاز شکل‌گیری «خودپنداره»<sup>۱</sup> انسان و این خود، بستر مناسبی جهت تلقین آموزه مهدویت است. چون کیفیت خودپنداره که در شکل‌دهی شخصیت نقش به‌سزایی دارد، تحت تأثیر مستقیم تلقین قرار می‌گیرد (همان: ۹ و ۱۰). بر این اساس، تلقین در دوره کودکی

۱. «خودپنداره»، تصویری جامع است که هر فرد از خود دارد. در واقع، خودپنداره پاسخی است به پرسش «من کیستم؟» این پاسخ، مجموعه ویژگی‌ها، نگرش‌ها، توانایی‌ها و ارزش‌هایی است که فرد از خود سراغ دارد (همتی، ۱۳۹۰: ۱۰).

یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری شخصیت در بزرگسالی است. معلمان، والدین و به‌طور کلی، اشخاص و نهادهای تأثیرگذار با تلقین‌های تأثیرگذار خود تا حدودی سرنوشت کودکان را تعیین می‌کنند. اگر آن‌ها در ارتباط کلامی با کودکان از برچسب‌هایی مثبت، مانند خوش‌اخلاقی و یار امام زمان بودن، و منفی، مانند تنبلی و بی‌نظمی، استفاده کنند، یا این‌که خود کودکان، عناوین مذکور را از واکنش‌های دیگران دریافت و مرتب به خود تلقین کنند؛ ناخواسته مشغول پایه‌ریزی خودپنداره‌های مثبت یا منفی هستند که آینده اخلاقی و رفتاری آنان را پایه‌ریزی می‌کند.

## ۲. دعوت‌پذیری عملی، یادگیری مشاهده‌ای، تقلیدپذیری

امام صادق علیه السلام فرمودند:

مردم را از طریقی غیر از زبان‌هایتان [در واقع با اعمال و رفتار خود به کارهای خیر] دعوت کنید تا تلاش و راستگویی و پرهیزکاری را از [رفتار] شما ببینند (طبرسی، ۱۳۸۵: ۴۶).

از آن‌جا که اصول تربیتی بیان شده در قرآن و روایات حاکی از ویژگی‌های شخصیت انسان است؛ می‌توان گفت امر به دعوت مردم در حدیث مذکور، گویای روحیه «دعوت‌پذیری» در انسان است. «دعوت» به‌خلاف امر و دستور، به‌خاطر دارا بودن نوعی احترام و تکریم به مخاطب، باعث علاقه‌مندی و جذب وی نسبت به تلقین‌کننده و پیام تلقینی می‌شود. وقتی دعوت عملی باشد، یعنی از طریق نمایش واقعی اعمال و رفتار انجام گیرد، کیفیت آثار مذکور چند برابر می‌شود؛ به‌ویژه در کودکان که انعطاف زیادی دارند؛ زیرا تأثیرپذیری آن‌ها، از راهنمایی عملی بیش‌تر است تا راهنمایی لفظی. تکرار دعوت عملی به تلقین فعلی منجر می‌شود. به‌همین دلیل، کودکان به‌لحاظ شخصیتی آن‌گونه خواهند شد که الگوهای آنان هستند و عمل می‌کنند و کم‌تر آن‌گونه می‌شوند که با زبان از آن‌ها خواسته می‌شود؛ زیرا اغلب اعمال کودکان، انعکاسی و از روی تقلید و همانندسازی<sup>۱</sup> نسبت به الگوهایی همچون

۱. تقلید و همانندسازی شبیه یکدیگرند، با این تفاوت که همانندسازی، الگوبرداری ناآگاهانه و ناخودآگاه از رفتار الگو است (همتی، ۱۳۹۰: ۷۶) و تنها نسبت به کسانی صورت می‌گیرد که مورد

والدین و گروه همسال می‌باشد و باید آنان را مقلدان بزرگ نامید (همتی، ۱۳۹۰: ۷۴). یادگیری کودکان، غالباً از راه مشاهده است. یادگیری مشاهده‌ای<sup>۱</sup> باعث می‌شود کودک، عمل مورد نظر را از طریق مشاهده و به‌طور دقیق فراگیرد و به بازپدیدآوری عینی آن اقدام کند. تکرار آن، سبب تقویت باورهای او نسبت به آن فعل می‌گردد. افزون بر آن، خودتلقینی و دگر تلقینی را فراگرفته و نسبت به خود و افراد کوچک‌تر و حتی اسباب‌بازی خویش اجرایی کند که این کار نیز باورهای یادشده را استحکام می‌بخشد.

### ۳. انعطاف فکری و زودباوری

کودک به دلیل محدودیت ظرفیت شناختی، انعطاف فکری زیادی دارد. به‌همین دلیل، خیلی زود و سریع، سخنی را صحیح پنداشته و باور می‌کند. این انعطاف به ما کمک می‌کند تا پیام مهدوی، برای تلقین و باورسازی به دفعات کم‌تر نیاز داشته باشد؛ ضمن این‌که این امر راحت‌تر و سریع‌تر صورت می‌پذیرد. همچنین با تأثیر بر ادراک کودک، پیام را آن‌گونه که صحیح است و آن‌گونه که می‌خواهیم، درک می‌کند.

قابل ذکر است که میزان انعطاف‌پذیری کودکان همیشه یکسان نیست؛ بلکه هنگام بروز هیجانات شدید مثبت و منفی، آن‌ها بیش‌ترین تأثیرپذیری، زودباوری و تلقین‌پذیری را دارند (کاوایی، ۱۳۸۷: ۲۳۱-۲۴۰ و گنجی، ۱۳۹۱: ۲۰۲ و ۲۱۰).

### ۴. ناپایداری اراده و شتاب‌زدگی

اراده کودک ناپایدار بوده و خیلی زود بر اثر میل و رغبت‌های آنی و همچنین در برابر اصرار و فشار تسلیم می‌شود. همچنین اغلب رفتارهایش شتاب‌زده و عجولانه به‌دور از احتیاط

....»

علاقه شدید باشند. پس انگیزه عمل در آن، علاقه شدید قلبی است؛ به‌خلاف تقلید (بی‌ریا و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۴۴).

۱. برخی روان‌شناسان نظریه «یادگیری اجتماعی» و «مشاهده‌ای» را مطرح کرده‌اند که در آن، «یادگیری مشاهده‌ای» که همان تقلید یا سرمشق‌گیری است، مهم‌ترین نوع یادگیری انسان به‌شمار می‌آید (سیف، ۱۳۸۵: ۳۱۴). بسیاری از روان‌شناسان معتقدند که ما تعداد زیادی از رفتارهای خود را با مشاهده رفتارهای دیگران یاد می‌گیریم (گنجی، ۱۳۹۱: ۴۴).

مورد نظر بزرگسالان است. این دو خصوصیت، زمینه را برای سرعت در تقلیدپذیری و تلقین‌پذیری فراهم می‌کند.

#### ۵. عادت‌پذیری

کودک خیلی سریع با طرز فکر، روحیه و رفتاری خاص خو می‌گیرد و این سبب می‌شود آن قدر آن روحیه و رفتار را بازپدیدآوری کند که برای او به صورت ملکه و عادت در آید. از نظر اخلاقی، کودکی دورهٔ ایجاد عادات مطلوب است (باهنر، ۱۳۸۷: ۲۴). تلقین یکی از مهم‌ترین مکانیزم‌های شکل‌گیری عادت‌های کودک در کنار تقلید، قصد و اراده می‌باشد (کاویانی، ۱۳۸۷: ۲۴۹). بنابراین، می‌توان زمینه عادت کودک به گفتن یا عمل کردن به محتوای تلقینی و تکرار آن را فراهم کرد تا گفته و عمل به آسانی نهادینه گردد. افزون بر آن، عادت به پذیرش پیام و خودتلقینی‌های مثبت مهدوی و همچنین انس با آن‌ها سبب تثبیت و ماندگاری باورهای مرتبط با آن پیام‌ها می‌شود.

#### ۶. علاقه به تکرار

یکی از ویژگی‌های طبیعی کودک که ظرفیت پذیرش تکرار گفتار یا عمل را افزایش می‌دهد؛ علاقه‌مندی به تکرار است. به همین دلیل است که اگر کتاب قصه‌ای را بارها برای کودکمان بخوانیم، خسته نمی‌شود و باز می‌خواهد آن را برایش تکرار کنیم (همتی، ۱۳۹۰: ۲۸). در روایات، در مورد اهمیت تکرار آموزه دینی و مداومت در عمل به مقتضای آن سفارش گردیده، که این مهم، حاکی از روحیه تلقین‌پذیری در انسان، به‌ویژه دوره کودکی است. از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

وقتی کودک به سه سالگی رسید، باید به او بگویند: هفت مرتبه بگو: لا اله الا الله. سپس رهایش کنند تا سه سال و هفت ماه و بیست روز او کامل شود. سپس باید به او بگویند: هفت مرتبه بگو: مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ و او را رها کنند تا چهار سال او تمام شود. آن گاه به او بگویند: هفت مرتبه بگو: صَلَّى اللهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ. سپس... (صدوق، ۱۴۱۳، ج: ۱، ۲۸۱، ح ۸۶۳).

## ۷. نیاز به محبت و دلبستگی به محبوب خویش

محبت، یکی از نیازهای اساسی کودکان به شمار می‌آید. در اسلام به این موضوع بسیار توجه شده تا آن‌جا که امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند بنده‌اش را به واسطه شدت محبتی که به فرزند خود دارد، رحم می‌کند  
(صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۸۲).

می‌توان برای کودکان، بر حقانیت آموزه‌های مهدوی به زبان کودکانه در قالب قصه و شعر استدلال کرد تا اطمینان بیش‌تری به صحت آن و در ادامه رغبت افزون‌تری برای تکرار پیدا کنند؛ اما محبوبیت و مقبولیت تلقین‌کننده و پیام تلقینی، نزد کودکان، در ترغیب آنان به انجام دادن و تکرار محتوای تلقینی به مراتب از استدلال اثرگذارتر است و این به دلیل نیاز شدیدی است که آنان به محبت داشته و به هر کس که به آن‌ها محبت کند، سریعاً علاقه‌مند می‌شوند و به سرعت دل‌بسته محبوب خویش می‌شوند (همتی، ۱۳۹۰: ۳۴). کودکان سخن و عمل تلقین‌کننده‌ای را سریع‌تر، باور، تقلید و تکرار می‌کنند که او را بیش‌تر دوست داشته باشند. بنابراین، می‌توان با ایجاد انس کودک با تلقین‌کننده و پیام مهدوی، تلقین‌پذیری را سرعت بخشید.

### ب) ویژگی‌های معارض با تلقین‌پذیری

مقصود از ویژگی‌های معارض، خصوصاتی است که به لحاظ فکری، عاطفی یا جسمی با تلقین‌پذیری کودک در تعارض باشند و هنگام تلقین، واکنش مقابله‌ای و معارض‌گونه از خود نشان دهند؛ یعنی مانعی برای قبول و پذیرش پیام تلقینی محسوب شوند؛ ویژگی‌هایی که گویای اظهار خود و آزادی بیش‌تر در افکار، امیال و رفتار است؛ مانند خودمحوری یا خودمیان‌بینی، علاقه به خودنمایی، مرکز انحصاری توجه و محبت‌بودن، اثبات خود و توانایی‌ها، استقلال‌طلبی و میل شدید به آزادی. در نتیجه روند تلقین‌پذیری کند یا متوقف می‌گردد. شخص یا نهاد تلقین‌کننده، باید افزون بر آشنایی با ویژگی‌های معارض، راه جهت‌دهی آن‌ها را به سوی فرایند تلقین‌پذیری کودک بداند و از همان خصوصیات، جهت اجرایی شدن تلقین آموزه‌های مهدوی استفاده کند تا کودک پیام تلقینی را با رغبت درونی



بپذیرد. در غیر این صورت، ممکن است با آن ویژگی‌های طبیعی مقابله شود و در کودک نوعی عناد و تنفر به معارف مهدویت به وجود آید. در ادامه تبیین و جهت‌دهی دو معارض ذکر می‌گردد:

### ۱. خودمحوری

رفتارهای کودک، بیش‌تر حاصل «خودمحوری» اوست که زمینه اجتماعی‌شدن او را فراهم می‌کند (منصور، ۱۳۸۸: ۱۶۹). «خودمیان‌بینی»، یعنی این‌که کودک خود را محور کائنات پنداشته و تصور می‌کند همه‌چیز در حول او اتفاق می‌افتد (باهنر، ۱۳۸۷: ۲۴) و جهانی که می‌نگرد، همان جهانی است که دیگران می‌نگرند (منصور، ۱۳۸۸: ۱۵۷). حاصل چنین پنداشتی، عدم درک دیدگاه‌های دیگران؛ داوری صرفاً از دیدگاه خود؛ پافشاری بر دیدگاه خود و دفاع از آن، حتی با تناقض‌گویی؛ جان‌داری‌پنداری (همه چیز را دارای جان و فهم و شعور دانستن) و ساخته‌پنداری (همه چیز را محصول خلاقیت انسان دانستن) است (باهنر، ۱۳۸۷: ۲۵). خودمحوری مانعی در مسیر تلقین‌پذیری کودک محسوب می‌شود؛ چون مستلزم درک ناقص و عدم قبول و پذیرش سخن و رفتار تکرارآمیز تلقین‌کننده است.

### ۲. استقلال‌طلبی

کودک می‌خواهد در فکر، آرزو و رفتار از دیگران مستقل و متمایز باشد و تلاش می‌کند کارهایش را به‌تنهایی، بدون کمک دیگران انجام دهد. البته از آن‌جا که در دوره پیش‌عملیاتی، یعنی در راه شکل‌گیری عملیات منطقی عینی گام برمی‌دارد؛ نمی‌تواند از عهده آن‌ها به‌طور کامل برآید (منصور، ۱۳۸۸: ۱۹۰). تلقین‌پذیری، نوعی تبعیت از دیگران است. این تبعیت، زمانی که با خواسته‌های استقلال‌گونه کودک در تعارض باشد، باعث رفتارهایی است که در ظاهر مخالفت و نافرمانی محسوب می‌شوند؛ درحالی‌که این رفتارها نشانه‌ی تشخیص‌طلبی بوده (باهنر، ۱۳۸۷: ۲۴) و اگر صحیح جهت‌دهی نشوند، روحیه استقلال و جرأت انجام دادن کار از او سلب خواهد شد.

برای بهره‌بری و جهت‌دهی خودمحوری و استقلال‌طلبی کودکان برای تلقین‌پذیری؛

شایسته است به نکاتی توجه شود که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

در تلقین قولی نباید لحن کلام و حالت بیان آمرانه، تحکم‌آمیز، زورگویانه و تحمیلی باشد؛ بلکه این کار باید پیشنهادگونه با لحنی آرام و دوستانه، متناسب با دوره کودکی صورت گیرد. البته معیار در تشخیص این موارد، افزون بر فرهنگ ادبیات، گفت‌وگوی هر منطقه، فهم کودک است. در واقع اوست که باید احساس کند پیام تلقینی، تحمیلی نبوده و آزادانه آن را انتخاب کرده و پذیرفته است. همچنین تصور نکند که دیدگاه‌ها، امیال و آرزوهایش مورد بی‌توجهی، بی‌مهری و بی‌احترامی قرار گرفته است. باید او را به‌خاطر انتخاب پیام تلقینی و باورمندی به آن مورد توجه ویژه قرار داد؛ مانند تحسین و تشویق، و در این‌باره جملات تلقینی مثبت بگوییم: «شما حالا دیگر بزرگ شده‌ای و خودت انتخاب کردی، خودت دوست داشتی امام مهدی علیه السلام را بشناسی و یاری کنی، چه انتخاب زیبایی!...» همچنین اجازه دهیم کارها را به‌تنهایی و مستقل انجام دهد؛ البته با نظارت مخفیانه.

### تنظیم محتوای تلقینی مهدوی

تهیه محتوای تلقینی مهدوی متناسب با دوره کودکی، پیش‌نیاز مهمی برای اجرای تلقین است که در قالب سه مرحله ارائه می‌گردد:

#### الف) انتخاب موضوع

با در نظر گرفتن معیارهای گزینش موضوع و آموزه مهدویت برای کودک، نظیر توانایی درک صحیح، قابلیت الگوپذیری، سودمندی، تناسب با موقعیت و شرایط کودک، ابتدا به یک موضوع کلی از مهدویت توجه و ریزموضوعی از آن گزینش می‌شود. هر چه موضوع، به‌لحاظ مفهومی محدودتر باشد، افزون بر آسانی در دسته‌بندی و تمرکز بیش‌تر بر آن؛ برای کودک بیش‌تر قابل فهم و انتقال و باورسازی آن نیز راحت‌تر خواهد بود. همچنین برای بیان مصادیق و مثال‌های متعدد، برای تبیین موضوع و اثرگذاری تربیتی فرصت بیش‌تری فراهم می‌گردد. مثلاً در مبحث امامت عامه، به موضوع امام‌شناسی توجه می‌کنیم و آن را نسبت به حضرت مهدی علیه السلام در نظر می‌گیریم. مهدی‌شناسی در بردارنده موضوعاتی است، مانند

ضرورت شناخت، آثار و کارکردهای شناخت و ویژگی‌های امام که مورد اخیر انتخاب می‌گردد و سپس از بین ویژگی‌ها، علم امام مورد توجه قرار می‌گیرد. علم امام نیز مباحث متعددی دارد، مانند چگونگی، محدوده و متعلق علم امام که از بین آن‌ها، ریزموضوع اخیر انتخاب می‌گردد.

#### ب. استخراج پیام

در این مرحله، متناسب با موضوع، پیام مناسبی در قالب گزاره خبری تنظیم می‌گردد. مثلاً با توجه به موضوع منتخب (متعلق علم امام) پیامی همچون: «حضرت مهدی علیه السلام به اعمال انسان‌ها آگاهی دارد»؛ استخراج می‌شود. این پیام، همان ماده درسی از معارف مهدویت است که مربی در مورد محتوا و روش‌های انتقال آن به کودک، مطالعه و تحقیق می‌کند؛ اما هیچ‌گاه در کلاس و فرایند آموزشی، آن را عیناً به زبان نمی‌آورد، بلکه تلاش می‌کند با زمینه‌سازی مناسب برای طرح پیام، آن را در حد فهم کودک تنزل دهد.

#### ج. ساختن جمله کلیدی

در هر جلسه کلاس، از میان جملات متعددی که بر زبان مربی جاری می‌شود، یکی از جمله‌ها نقش محوری داشته و گویای پیام آن جلسه است که آن را «جمله کلیدی» نام می‌نهمیم. این جمله، گزاره‌ای خبری است که در طول تدریس تمام زمینه‌سازی‌ها، توضیحات، استفاده از ابزار آموزشی و کمک‌آموزشی حول محور تبیین و تفهیم آن می‌چرخد و در انتقال و تلقین پیام مهدوی با زبان کودکانه دارای نقش مهمی است؛ زیرا در قالب‌هایی مانند بازی، شعر و قصه که برای انتقال پیام از آن‌ها استفاده می‌شود. آن جمله از سوی مربی و کودکان مرتب تکرار می‌گردد. جمله کلیدی در این بحث، نمای کودکانه پیام است که در فرایند تنظیم طرح درس برای کودکان، با توجه به پیام اصلی درس ساخته می‌شود.

برای ساختن جمله کلیدی، باید پیام مهدوی را به صورت عبارتی کوتاه، ساده، روان، واضح، آهنگین و زیبا درآوریم؛ به گونه‌ای که قابل فهم و با خزانه لغات کودک متناسب باشد. البته اگر آیه یا حدیثی این چنین پیدا شد، از آن استفاده می‌گردد؛ و گرنه می‌تواند در قالب متن

ادبی، شعر، مثل، حتی با خمیرمایه‌ای از طنز ارائه شود. واژگان نامأنوس استفاده نمی‌شوند، مگر به قصد آموزش واژه‌های جدید که برای طرح آن به همراه توضیحات کوتاه زمینه‌سازی لازم است. زودحفظ بودن جمله کلیدی باعث آسانی و سرعت حفظ و یادآوری آن می‌گردد تا هر موقع (بر حسب عادت یا تذکر اطرافیان در زمان و مکانی متناسب با پیام اصلی) آن جمله بر ذهن یا زبان کودک آمد، مطالب آموزشی مرتبط با آن تداعی شود.

به‌عنوان نمونه، پیام مهدوی مذکور در بخش قبل را به گزاره «امام مهدی علیه السلام از همه اعمال و رفتار ما یا از کارهای ما خبر دارند»؛ تبدیل کرده، سپس جمله‌های کلیدی ساخته می‌شود؛ مانند «امام زمان مهربون\* خبر دارن از کارامون» و «هر کاری انجام بدیم، امام اون می‌بینه\* آخه هر جا که باشیم، امام ما رُ می‌بینه».

برخی پژوهشگران عرصه تبلیغ دینی از «قالب شعاری؛ تکرار دسته‌جمعی» یاد کرده‌اند که با جمله کلیدی دارای شباهت فروانی است. ایشان معتقدند تکرار شعار در لابه‌لای مطالب در جای مناسب به صورت پی‌درپی، فواید ذیل را به‌نبال دارد:

سرعت انتقال ذهن به مباحث درس و تداعی آن‌ها، دریافت پیام، ماندگاری پیام در ذهن، نهادینه‌شدن، تحریک عواطف و احساسات، تأکید مطالب، جلب توجه مخاطب و تفهیم اهمیت موضوع، انتقال دقیق پیام و تثبیت آن به دلیل موجز بودن، تأثیرگذاری عمیق و اعتمادسازی به دلیل صحنه‌گذاردن جمع بر پیام (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۱۸۶).

### قالب‌های اجرایی تلقین

تکرار آموزه با روش و قالبی یکنواخت و ثابت، به‌ویژه برای کودک، ملالت‌آور و خسته‌کننده و متمرکز کردن آنان برای فعالیت ذهنی طولانی مدت (به‌خصوص تکراری) دشوار است (باهنر، ۱۳۸۷: ۴۴). همچنین تفاوت‌هایی بین کودکان وجود دارد؛ از قبیل اختلاف در میزان آستانه تحمل و سلیقه در پذیرش قالب‌ها که نشأت‌گرفته از تفاوت استعدادها و ظرفیت‌ها است. بنابراین، لازم است در تکرار تلقین‌آمیز آموزه مهدویت، افزون بر اتخاذ تعداد مناسب، با قالب‌های متنوعی که به شیوه تکرار ناظر است؛ آشنا بوده تا در هر مرتبه از تکرار،

قالبی خاص به کار گرفته شود. در این جا، به تبیین پنج قالب بسنده می شود:

#### ۱. قصه

قصه و داستان پر بارترین و شایع ترین فرم هنری است (مک کی، ۱۳۸۹: ۹) که انسان، به ویژه در کودکی، ذاتاً به سوی آن جذب شده و از آن لذت می برد (محدثی، ۱۳۷۶: ۲۵). همچنین از نظر روان شناسی تربیتی، یکی از مهم ترین و مؤثرترین روش های آموزشی (مقدسی پور، ۱۳۸۲: ۴۱) و ابزاری برای انتقال غیرمستقیم آموزه ها به حساب می آید. در قرآن و سیره معصومین علیهم السلام نیز استفاده از آن فراوان به چشم می خورد (محمدقاسمی، ۱۳۸۹؛ داوودی و حسینی زاده، ۱۳۹۱ و مهدوی، ۱۳۸۱).

با توجه به ویژگی های دوره کودکی، مانند رشد شکل گیری تصویرهای ذهنی، قوه تخیل، حس کنجکاوی، شیفتگی شدید به شنیدن داستان و جایگزینی خود در شخصیت های داستان و تقلید و الگوبرداری از آن ها، می توان گفت قصه یکی از مناسب ترین قالب ها به منظور تلقین گزاره های مهدوی به کودکان است.

در بعضی از دفعات تکرار پیام تلقینی، می توان از قصه ای با محتوای مهدوی استفاده کرد، مانند قصه «فرشته خوش خبر» و «یاران آفتاب» (یوسفیان و ولایی، ۱۳۹۲). قصه اخیر از سخن حضرت مهدی علیه السلام الهام گرفته و حاکی از تشبیه خویش به خورشید پشت ابر است (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۸۵) و نیز به غربت و تنهایی و لزوم توجه به ایشان (خصوصاً در زمان غیبت) اشاره دارد.

افزون بر آن، می توان از قصه هایی که قابلیت تکرار پیام را دارند، استفاده کرد، مانند قصه تک قسمتی، یا چند قسمتی که سلسله وار تنظیم گشته و در همه قسمت ها فقط یک پیام و جمله کلیدی در یک صحنه یا صحنه های مختلف توسط شخصیت های قصه تکرار می گردد. همچنین می توان جمله کلیدی را در چند بخش تنظیم کرد و در هر صحنه از قصه، بخشی از آن توسط شخصیت های قصه، تکرار گردد و در صحنه های بعدی به ترتیب بخش های جدید به همراه تکرار و یادآوری بخش های قبلی بیان شود تا پیام تکمیل گردد.

جهت تنوع بهره بری از قصه، می توان از قصه گویی مربی و والدین، پخش صدای قصه -

گوه‌های حرفه‌ای و فیلم‌های مشتمل بر داستان استفاده کرد. اگر در مسیر قصه به کودک اجازه مشارکت کلامی داده شود، بدین صورت که در بعضی بخش‌های مرتبط با پیام تلقینی، روند قصه و جمله کلیدی را نیمه‌تمام گذاشت تا او ادامه آن را حدس بزند و مدام این عمل تکرار شود؛ این کار در تلقین قولی پیام مهدوی دارای تأثیر به‌سزایی است. همچنین اگر کودک مشارکت فعلی داشته باشد، مثل اجرای نقش برخی شخصیت‌های داستان، در تلقین فعلی وی موثر است. قصه‌گویی همراه با ابزاری همچون تقلید صدا، نمایش، تصاویر زیبا و متناسب، بر تلقین تأثیر فراوانی دارد؛ چون از طریق دو ادراک حسی بینایی و شنوایی، پیام منتقل می‌شود و این به‌منزله تکرار است.

اگر کودک به قصه‌گویی، به‌ویژه با ابزار جذاب ترغیب و تشویق شود، چون با هر بار گفتن صدای خود را می‌شنود، پیام مهدوی در او تثبیت شده و این، نوعی خودتلقینی است. نفس محبوبیت و جذابیت قصه، عامل مهمی برای خودتلقینی است؛ زیرا کودک داستان‌هایی را که دوست داشته و از شنیدنشان لذت برده، برای دوست و عروسک خود و حتی هنگام تنهایی، تکرار می‌کند. روش‌های متعددی برای ترغیب وجود دارند، مانند این‌که تصویرهایی از صحنه‌های مختلف قصه تهیه و از او خواسته شود، ماجرای هر صحنه را بیان کند تا قصه به اتمام رسد، یا این‌که در بعضی از صحنه‌ها، از او درخواست شود همانند صدای شخصیت قصه سخن بگوید.

## ۲. شعر

کودکان به گزاره‌های آهنگین و موزونی همچون شعر علاقه دارند. افزون بر آن که می‌توان از آن برای شیوه‌ای از تکرار آموزه مهدوی استفاده کرد، ظرفیت بالایی برای تکرار پیام دارد. در شعر باید گوشواره‌ای مناسب با یک پیام مهدوی تنظیم و به‌عنوان جمله کلیدی استفاده شود. نباید از شوق کودکان به حفظ شعر، خواندن سرود دسته‌جمعی و... غافل بود. در این زمینه کتاب‌هایی با محوریت اشعار کودکانه دینی و مهدوی به چاپ رسیده، مانند «نغمه‌های دینی کودکان» (هاشمی، ۱۳۹۰)؛ «مجموعه چلچراغ» (یوسفیان و وحیدی صدر، ۱۳۹۳) و «مجموعه شکوفه‌های امید» (همان: ۱۳۹۱). در این‌جا بر اساس روایات، دو شعر

به عنوان نمونه ذکر می‌گردد:

**الف)** بر اساس حدیثی از حضرت مهدی علیه السلام که فرمودند: «...لَانَسِينَ لَذِكْرِكُمْ؛ ما یاد شما را فراموش نمی‌کنیم» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۹۷)؛ این شعر خوانده می‌شود:  
او به یاد ما بوده؛ او به یادمان باشد. او برای این مردم، صاحب الزمان باشد.  
صاحب الزمان فرمود، جمله‌ای که گشتم شاد: شیعیان شماها را، ما نمی‌بریم از یاد (یوسفیان و وحیدی صدر، ۱۳۹۳، ج ۳: ۸).

**ب)** با الهام از سخن امام صادق علیه السلام در مورد فراق امام دوازدهم که فرمودند: «سیدی غیبتک نَفَتْ رُقادی؛ سرور من! غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده است» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۳۵۳)؛ چنین شعری بیان می‌شود:  
وقتی نباشی، ما بی‌قراریم. یعنی که بی تو، ما بی‌بهاریم. ای سرور من! هستی تو مولا. در غیبت تو، بی‌خوابم آقا» (یوسفیان، ۱۳۹۳: ۸).

### ۳. نقاشی و رنگ‌آمیزی

هنگام نقاشی، فراسوی علاقه و لذت‌بردن کودک، نوعی نمایان‌گری شخصیت در حال جریان است. بر پایه تحقیقات خط‌شناسی و روان‌تحلیل‌گری، نقاشی کودک پیام او محسوب می‌شود؛ زیرا آنچه را نمی‌تواند به‌لفظ در آورد، از طریق نقاشی انتقال می‌دهد. پس نقاشی خبر از راز و رمز جهان کودک می‌دهد و با دقت در آن، می‌توان روابط خود را با وی غنی‌تر ساخت (پریخ، ۱۳۹۱: ۹-۱). بر این اساس، می‌توان از نقاشی جهت تهیه جامعه آماری در مورد گرایش کودکان به معارف مهدویت و میزان شناخت آن‌ها از این مؤلفه بهره برد. همچنین نقاشی و رنگ‌آمیزی با موضوع مهدویت، به‌ویژه اگر با توضیحاتی در قالب قصه و شعر (به‌عنوان برخی از دفعات تکرار پیام تلقینی) استفاده شود؛ کیفیت ایجاد و تقویت باورهای مهدوی در کودکان را افزایش می‌دهد. مثلاً برای تلقین محبت حضرت مهدی علیه السلام نسبت به کودکان، شش برگه نقاشی تهیه می‌کنیم. در برگه اول، مردی با چهره‌ای مهربان و متبسم در حال نوازش و هدیه‌دادن ترسیم و به‌عنوان امام مهدی علیه السلام معرفی می‌کنیم و از کودک می‌خواهیم آن را رنگ‌آمیزی کند و شعر متناسبی زمزمه می‌کنیم. در برگه دوم همان محتوا را

به همراه یک کودک کشیده و شعرخوانی و خواسته قبلی را تکرار می‌کنیم؛ همین‌طور ادامه می‌دهیم تا نقاشی و رنگ‌آمیزی پنج کودک کامل گردد.

#### ۴. نمایش

منظور از «قالب نمایشی» یا «روش ایفای نقش»، مجسم‌کردن و مشهود و محسوس درآوردن پیام بوده و این کار بر دیدار و شنیدار مبتنی است. با توجه به وجود عناصر متنوع هنری، ادبی و ترکیبی و جاذبه‌های دیگر در بافت نمایش، این قالب به‌عنوان یک واسطه بسیار قوی، می‌تواند در خدمت بسیاری از فعالیت‌های آموزشی و تربیتی قرار گیرد (کیومرثی، ۱۳۸۶: ۱۰۸). نمایشی‌کردن مفاهیم، خصوصاً مباحث عقلی و انتزاعی برای کودک سبب درک راحت و سریع، یادگیری عمیق‌تر، ماندگاری در ذهن، اثرگذاری بر عواطف و احساسات و هیجان‌ها، ارائه الگوی مناسب، تحرک بخشیدن به کلاس، ایجاد انگیزه و آسانی در یادآوری می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۳۲۷ و ۳۳۰). در قرآن کریم و سیره معصومین علیهم‌السلام نیز استفاده از این روش به چشم می‌خورد (همان: ۳۲۷-۳۳۰ و اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳-۷۶)؛ مانند چگونگی برانگیخته‌شدن در روز قیامت از طریق نشان‌دادن زنده کردن زمین بعد از مرگ آن (ر.ک: روم: ۱۹ و ق: ۹-۱۱). همچنین آموزش دفن مردگان به قایل به‌وسیله نشان‌دادن دفن کلاغ مرده توسط کلاغی دیگر (ر.ک: مائده: ۲۷-۳۰). با توجه به خصوصیات دوره کودکی که در قالب قصه گذشت و مواردی از قبیل درونی‌سازی واقعیات، علاقه به تجربه کار دیگران و بازپدیدآوری عملی آن‌ها، خودنمایی، میل به بازی نمایشی نمادین و علاقه به عروسک و مجسمه‌های نمادی اشیا؛ می‌توان گفت: قالب نمایشی، اعم از نمایش مشارکتی، عروسکی، خلاق و... یکی دیگر از بهترین روش‌های تلقین آموزه مهدویت به کودکان است؛ به‌ویژه اگر برای تکرار پیام تلقینی در آن برنامه‌ریزی شود. از همان قصه «یاران آفتاب» که در قالب «قصه» یاد شد، می‌توان برای اجرای نمایش مشارکتی استفاده کرد؛ بدین صورت که چند کودک برای اجرای نقش مرد کشاورز، خورشید، ابر سیاه، گل‌های آفتاب‌گردان انتخاب و دیالوگ‌ها آموزش داده شود، یا این که محتوای قصه به‌صورت اجمالی بیان گردد تا آن‌ها با بهره‌گیری از خلاقیت و سلیقه خود دیالوگ‌ها را بسازند.



«نمایش»، بهترین راه برای آموزش دگر تلقینی و خودتلقینی است. کودکی که مشغول تماشای تلقین کردن پدر به فرزند دیگر است، دگر تلقینی را فرا گرفته و آن را برای کودکی دیگر یا اسباب‌بازی و عروسک خویش انجام می‌دهد. تکرار خودافشایی عاطفی والدین و مریبان به امام زمان علیه السلام یا خودتلقینی نمایشی در این باره در برابر کودک، سبب خودتلقینی کودک به پیام‌های مهدوی می‌گردد. مثلاً والدین افکار و عواطف عاشقانه خود را به حضرت مهدی علیه السلام در مقابل کودک به زبان آورده و احساس خویش را نمایان سازند، بدون اجبار یا دعوت بر شنیدن و پذیرش آن‌ها. مانند بیان چنین جملاتی:

امام زمان! ای امام مهربان! گاهی وقت‌ها دلم برای شما خیلی تنگ می‌شود.  
این قدر شما را دوست دارم که هر کاری که شما دوست داشته و راضی باشید، انجام می‌دهم. با کمک خداوند، من حتماً موفق می‌شوم.

#### ۵. پرسش و پاسخ

با توجه به روحیه پرسش‌گری و حس کنجکاوی کودک، یکی از بهترین قالب‌های اجرای تلقین که مبدأ پیشرفت فکری و تربیت عقلانی اوست، «پرسش و پاسخ» می‌باشد. قرآن حکیم و معصومین علیهم السلام همواره مخاطبان خود را به پرسش‌گری درباره نادانسته‌ها دعوت و ترغیب کرده‌اند (ر.ک: محمدی، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۶)؛ مانند آیه:

﴿فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾؛ اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید (انبیاء: ۷ و نحل: ۴۲).

نیز مانند این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

دانش گنجینه‌هایی است و کلیدهای آن‌ها، پرسش است. پس رحمت خدا بر شما! بپرسید که بر اثر آن چهار نفر پاداش می‌یابند: پرسنده، پاسخ‌دهنده، شنونده و دوستدار پرسش (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۱).

همچنین امام علی علیه السلام در ضمن حدیثی وجود روحیه پرسش‌گری در کودکی را عامل (دانایی) (و) پاسخ‌گویی در بزرگسالی می‌دانند (آمدی، ۱۴۱۰، ح ۶۰۶ و ۶۲۵). این قالب، فواید فراوانی دارد؛ از قبیل برانگیختن حس کنجکاوی، جلب توجه، به تفکر واداشتن، پی‌بردن مخاطب به

جهل خود، فعال شدن، پی بردن به نیاز مخاطب، عمیق تر شدن مباحث، تقویت رشد خلاقیت و ابتکار و ایجاد رقابت سالم بین مخاطبان (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۱۲۳-۱۲۴) و اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۱-۷۲). کودک، دوست دارد در معرض پرسش قرار گیرد و خود به تنهایی پاسخ دهد. حتی از تکرار سؤال توسط دیگران و حتی از تکرار سؤال از خودش لذت می برد. بدین جهت است که بارها یک سؤال را مطرح می کند و اصلاً احساس خستگی نمی کند.

در هر پرسش و پاسخ مهدوی، کودک به ناچار دو مرتبه، به موضوع مورد نظر توجه کرده که این، نوعی تکرار است. اصولی در مورد بایسته های پاسخ گویی به پرسش های دینی وجود دارند که آن ها را در پاسخ گویی به سؤالات مهدوی کودکان نیز باید رعایت کرد تا آموزه ای از آموزه های مهدویت را القا کرد. برخی از این اصول عبارتند از: گوش سپاری هشیارانه به پرسش و درک دقیق آن، بازگویی آن به زبان ساده، استفاده از قصه و تمثیل و تشبیه در پاسخ، اندیشه و درنگ در پاسخ گویی (حیدری ابهری، ۱۳۹۲: ۱۵-۳۸)؛ اختصار پاسخ، ارائه دلیل، اجازه برای تکمیل پرسش، امنیت بخشی به پرسش گر، ریشه یابی سوالات و مشورت برای تهیه پاسخ (محمدی، ۱۳۹۱: ۶۷-۱۳۲)؛ تربیت ساز بودن، تمرکز بر یک مطلب در هر سوال، تناسب با مخاطب و پرهیز از اصطلاحات نامأنوس (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۸-۷۰)؛ آشنایی با مقبولات مخاطب، پرهیز از کلمات تحکم آمیز، دلیل خواهی و پرورش برخی سوالات (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۱۲۴-۱۳۰)؛ تغییر سوال، نشنیده گرفتن برخی پرسش ها و گفتن «نمی دانم» در صورت عدم اطلاع (گریوانی، ۱۳۹۱: ۷۳-۱۴۲) و با سؤال های پی در پی در مورد امام زمان علیه السلام و حتی برگزاری مسابقه پاسخ گویی با شیوه های متنوع.

### نتیجه گیری

با توجه به ضرورت نهادینه سازی آموزه های مهدوی در کودکان و همچنین جایگاه تلقین در تعالیم تربیتی؛ می توان از روش «تلقین» که عنصر محوری آن، باورسازی از طریق تکرار نظام مند است، برای ایجاد و تقویت باورهای مهدوی در کودکان بهره برد؛ به گونه ای که کودک از آسیب هایی همچون تحمیل و اجبار بر پذیرش آموزه مهدوی و بی توجهی به تربیت

عقلانی وی محفوظ بماند. موفقیت در به کارگیری این روش برای کودکان، در گرو رعایت اصول تلقین، از قبیل استمرار و تمرکز است که متناسب با خصوصیات همسو با تلقین‌پذیری دوره کودکی و جهت‌دهی ویژگی‌های معارض با آن، تنظیم می‌گردد. همچنین باید محتوای تلقینی مهدوی در سه محور «انتخاب موضوع»، «استخراج پیام» و «ساختن جمله کلیدی» با در نظر گرفتن آن ویژگی‌ها تهیه شود. افزون بر آن، لازم است از انواع تلقین، از قبیل خودتلقینی و دگرتلقینی و همچنین قولی، فعلی و محیطی و مثبت و منفی استفاده گردد. همچنین استفاده از قالب‌هایی نظیر قصه، شعر، نقاشی، نمایش و پرسش و پاسخ برای انتقال و نهادینه‌سازی معارف مهدوی در کودکان توصیه می‌گردد؛ زیرا تکرار یک آموزه با روش و قالبی یکنواخت برای کودک ملالت‌آور و متمرکز کردن آنان برای فعالیت ذهنی طولانی مدت دشوار است.

## منابع

### قرآن کریم.

۱. آیتی، نصرت الله (پاییز ۱۳۹۰). *زمینه‌سازی ظهور؛ چیستی و چگونگی*، فصل‌نامه مشرق موعود، سال پنجم، شماره ۱۹.
۲. آمدی، عبدالواحد ابن محمد (۱۴۱۰ق). *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۳. ابن شعبه حرانی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول*، قم، جامعه مدرسین.
۴. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، ۲جلدی، تهران، اسلامیه.
۵. اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۲). *روش تدریس و کلاس‌داری تبلیغی*، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۶. انوری، حسن (۱۳۸۵). *فرهنگ فشرده سخن*، تهران، سخن.
۷. بالادستیان، محمدمین و دیگران (۱۳۹۳). *نگین آفرینش*، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.
۸. باهنر، ناصر (۱۳۸۷). *آموزش مفاهیم دینی همگام با روانشناسی رشد*، چاپ و نشر بین الملل.
۹. بارو، رابین و رونالد، وودز (۱۳۷۶). *درآمدی بر فلسفه آموزش و پرورش*، ترجمه فاطمه زیباکلام، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. باقری، خسرو (۱۳۷۶). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه.
۱۱. باقری، خسرو (۱۳۸۰). *چیستی تربیت دینی (بحث و گفتگو با پروفسور پاول هرست)*، تهران، تربیت اسلامی.
۱۲. بی‌ریا، ناصر و دیگران (۱۳۷۵). *روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی*، تهران، سمت.
۱۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲). *اصول و روش‌های ارائه مفاهیم دینی*، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۱۴. حیدری ابهری، غلامرضا (۱۳۹۲). *خداشناسی قرآنی کودکان*، قم، جمال.
۱۵. حیدری، محمدحسین و نصر بختیاری، حسن‌علی (پاییز و زمستان ۱۳۸۸). *تلقین؛ چالش‌های فراروی تربیت دینی*، فصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره ۲، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۶. داوودی، محمد و حسینی‌زاده، علی (۱۳۹۱). *سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. دادستان، پریخ (۱۳۹۱). *ارزشیابی شخصیت کودکان (بر اساس آزمون‌های ترسیمی)*، تهران، رشد.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۱). *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۶جلدی.
۱۹. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۵). *روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)*، تهران، آگاه.

۲۰. شعبانی، حسن (۱۳۷۷). *مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)*، تهران، سمت.
۲۱. شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۸۵). *روان‌شناسی رشد*، تهران، اطلاعات.
۲۲. صبحی صالح (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، قم، بی‌جا.
۲۳. صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*، ۴جلدی، قم، جامعه مدرسین.
۲۴. طبرسی، احمدبن علی (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۲۵. طبرسی، علی بن الحسن (۱۳۸۵ق). *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، نجف، المكتبة الحیدریة.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *مصباح المتجهد*، بیروت، موسسه فقه الشیعه.
۲۷. عمید، حسن (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر.
۲۸. قائمی امیری، علی (۱۳۷۹). *حدود آزادی در تربیت*، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
۲۹. کاویانی، محمد (۱۳۸۷). *روان‌شناسی و تبلیغات (با تأکید بر تبلیغ دینی)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۰. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵). *کافی*، ۸جلدی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. گنجی، حمزه (۱۳۹۱). *روان‌شناسی عمومی*، تهران، ساوالان.
۳۲. کیومرثی، غلام‌علی (۱۳۸۶). *آشنایی با نقش هنر در پیشبرد فعالیت‌های پرورشی مدارس*، تهران، مدرسه.
۳۳. گریوانی، مسلم (۱۳۹۱). *خدایی که در این نزدیکی است (چگونگی معرفی خدا به فرزندان)*، مشهد، موسسه ضریح آفتاب.
۳۴. لوکرون، لسلی (۱۳۷۷). *اتوهیپنوتیزم*، ترجمه: همایون‌فر، یدالله، تهران، سیروس.
۳۵. متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین (۱۴۳۱ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۶. معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ معین*، تهران، امیرکبیر.
۳۷. محدثی، جواد (۱۳۷۶). *هنر در قلمرو حکمت*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۸. محمدقاسمی، حمید (۱۳۸۹). *روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن*، تهران، چاپ و نشر بین الملل.
۳۹. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۱). *حکمت‌نامه کودک*، عربی به فارسی، ترجمه: پسندیده، عباس، قم، چاپ و نشر دارالحدیث.
۴۰. محمدی، محمدعلی (۱۳۹۱). *شیوه پاسخ به پرسش‌های دینی*، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۴۱. منصور، محمود (۱۳۸۸). *روان‌شناسی ژنتیک (تحول روانی از تولد تا پیری)*، تهران، سمت.
۴۲. مقدسی‌پور، علی (اسفند ۱۳۸۲). *اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان (۱)*، فصل - نامه معرفت، شماره ۷۵.

۴۳. مک کی، رابرت (۱۳۸۹). *داستان، ساختار، سبک و اصول فیلم‌نامه نویسی*، مترجم: گذرآبادی، محمد، تهران، هرمس.
۴۴. هاشمی، عزیزالله (۱۳۹۰). *نغمه‌های دینی کودکان*، قم، عصمت.
۴۵. هاشمی، انسیه (۱۳۸۸). *پایان‌نامه: نقش تلقین در تقویت اراده*، قم، جامعه الزهراء ع.
۴۶. همتی، مجید (۱۳۹۲). *فرزندان قانون (روش‌های نظم‌آموزی به کودکان)*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
۴۷. همتی، مجید (۱۳۹۰). *چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
۴۸. یوسفیان، محمد و خانم ولایی (۱۳۹۲). *یاران آفتاب*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ع.
۴۹. \_\_\_\_\_ . *فرشته خوش‌خبر*، \_\_\_\_\_ .
۵۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). *منتظرم بیایی*، \_\_\_\_\_ .
۵۱. \_\_\_\_\_ و وحیدی صدر، مهدی (۱۳۹۳). *مجموعه چلچراغ*، \_\_\_\_\_ .
۵۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *شکوفه‌های امید*، \_\_\_\_\_ .
۵۳. سایت پزشکان بدون مرز <http://www.pezeshk.us>.